

باکو و تل آویو چقدر به هم نزدیکند؟

در این راهبرد، چنین بیان می‌شود که اسرائیل توسط دولت‌های متخاصم عرب احاطه شده و باید با «حلقه بیرونی» که از کشورهای مسلمان «میان‌رو» تشکیل شده، ارتباط برقرار کند

خبرگزاری آران/
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان

موضوع روابط دولت باکو با رژیم صهیونیستی، همواره یکی از موضوعات مورد بحث در سطح منطقه ای و بین المللی بوده و هراز گاه، انتشار اخباری همچون احتمال واگذاری پایگاه نظامی از سوی باکو به رژیم صهیونیستی، بر حساسیت موضوع افزوده است. با این حال، تحلیل دقیق تر این رابطه، وجود ابعاد بیشتری در آن را روشن می‌سازد.

به گزارش «تابناک»، سایت تحلیلی «اوراسیا نت» به تازگی در مطلبی به تحلیل روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی پرداخته و عمق و شدت این رابطه را بررسی کرده است. در این مطلب، با بیان این مقدمه که روابط باکو - تل آویو همواره محل بحث و گمانه زنی های فراوان بوده، آمده است:

نخست باید این موضوع را در ذهن داشته باشیم که هیچ کشوری، یک ابزار راهبردی محض برای دیگری به شمار نمی‌رود. از دید رژیم اسرائیل، روابط با جمهوری آذربایجان، جدید ترین نمود «راهبرد پیرامونی» این رژیم است. در این راهبرد، چنین بیان می‌شود که اسرائیل توسط دولت های متخاصم عرب احاطه شده و باید با «حلقه بیرونی» که از کشورهای مسلمان «میان‌رو» تشکیل شده، ارتباط برقرار کند. در چندین دهه، ترکیه کمالیست و ایران شاهنشاهی این نقش را برای این رژیم داشتند.

اما امروزه، روابط اسرائیل با ترکیه پرتنش است و ایران نیز مهمترین دشمن این رژیم به شمار می‌رود. به این ترتیب، جمهوری آذربایجان به محوری در این راهبرد پیرامونی تبدیل شده است، ولی باکو نمی‌تواند غرامت ابزارهای راهبردی از دست رفته اسرائیل را بپردازد.

آذربایجان کشوری است که گرفتاری های ژئوپلیتیک خاص خود را دارد؛ از جمله کنترل ۲۰ درصد از خاکش توسط یک کشور خارجی. باکو در موقعیتی نیست که بتواند آن نوع حمایت موردنظر اسرائیل را، به ویژه در برابر ایران برای این رژیم فراهم کند.

برخی از متحدان نومحافظه کار اسرائیل در ایالات متحده، رویای تحریک جدایی طلبی در شمال غرب ایران (منطقه ای با اکثریت ساکنین آذری) را در سر می‌پروراند؛ اما مقامات باکو از این که موجب تحریک ایران شوند، نگرانند. آن‌ها به خوبی از توانایی ایران در انتقام‌گیری گسترده، حتی در خاک جمهوری آذربایجان باخبرند.

این گزارش می‌افزاید، بی‌گمان رهبری جمهوری آذربایجان، خواهان وقوع جنگ در نزدیکی مرز هایش نیست؛ اما از سوی دیگر، عادی سازی کامل روابط با ایران نیز خواسته این کشور نیست. در حقیقت، این کشور خواهان وجود «تنش قابل مدیریت» است که به باکو اجازه می‌دهد خود را متحد مهم غرب در مقابل ایران نشان داده و همچنین افکار عمومی جهانی را از وضعیت بد حقوق بشر در کشور خود منحرف کند؛ تا جایی که به مسأله ایران مربوط است، باکو از ملاحظات خاص خود پیروی می‌کند که تطابق چندانی با ملاحظات اسرائیل ندارد.

اما از دیدگاه باکو، روابط با رژیم اسرائیل از آن جهت بااهمیت است که این رژیم پایبند ممنوعیت‌هایی که آمریکا و اتحادیه اروپا بر فروش اسلحه به جمهوری آذربایجان وضع کرده‌اند، نیست. در نتیجه، در شرایطی که تلاش‌های باکو برای بازپس‌گیری منطقه «ناگورنو قره باغ» دوباره به جریان افتاده، رژیم اسرائیل می‌تواند به عنوان یک منبع مهم اسلحه برای این کشور عمل کند. در عمل، اسرائیل تاکنون نیز ابزارهای نظامی پیچیده‌ای به آذربایجان فروخته و اطلاعاتی را در اختیارش گذارده که بتواند به تولید پهپاد نیز بپردازد.

با این حال، ذکر به یادآوری است که تدارک نظامی به احتمال زیاد نمی‌تواند اهداف راهبردی باکو را در قره باغ تأمین کند. در صورتی که باکو بخواهد در آینده بر این منطقه کنترل داشته باشد، باید این کار را با اقتناع مردم منطقه انجام دهد، نه دیگر ابزارها؛ اما شانس وقوع چنین چیزی بسیار ضعیف است و تولید پهپاد نیز قطعاً کمکی به تشویق ارمنی‌ها برای پذیرش حاکمیت باکو نخواهد کرد.

عامل مهم دیگر در تلاش‌های جمهوری آذربایجان برای ارتقای روابط با رژیم اسرائیل، تمایل مقامات این کشور برای دسترسی یافتن به لابی طرفدار اسرائیل در واشنگتن است. این امر از دیدگاه آذری‌ها به این سبب اهمیت دارد که به زعم آن‌ها، می‌تواند تأثیرگذاری لابی ارمنی بر سیاست آمریکا در قفقاز جنوبی را تعدیل کند.

اما انتظارات باکو در این زمینه غیرواقع‌بینانه است. موضوع قره باغ به هیچ وجه برای یهودیان آمریکایی و اسرائیلی‌ها مطرح نیست؛ افزون بر این، حامیان اسرائیل در واشنگتن تمایلی به رویارویی با لابی ارمنی‌ها ندارند، به ویژه هنگامی که متحد راهبردی آذربایجان، یعنی ترکیه، هم با ارمنستان و هم اسرائیل دشمنی دارد.

البته خود جمهوری آذربایجان نیز نمی‌تواند با حمایت بیش از اندازه از رژیم اسرائیل، خود را از کشورهای اسلامی جدا کند. به همین دلیل بود که باکو در سازمان ملل به سود تشکیل کشور مستقل فلسطینی رأی داد.

اما باید اشاره کرد که بیشتر آذری‌ها، از روابط کشورشان با اسرائیل ناخشنودند. زمانی که مقامات اسرائیلی، از جمله وزیر خارجه سابق این رژیم و یا سفیر آن در باکو، جمهوری آذربایجان را «نماد پیشرفت در جهان اسلام» خوانده و آن را ستودند، این امر صرفاً به افزایش خشم بسیاری از آذری‌ها منجر شد که سطح بالای فساد و فقدان آزادی‌های فردی را در کشور خود می‌بینند.

در پایان باید گفت که روابط باکو و تل آویو هیچ آینده‌ای ندارد. هم‌اکنون دستور کارهای دیپلماتیک دو طرف به شدت با یکدیگر متفاوت است و به نظر نمی‌رسد هیچ یک از آن‌ها حاضر باشد اولویت‌های خود را فدای گسترش روابط دوجانبه با دیگری کند. /خ

پایان پیام.